

نشریه کمیته آذربایجان
حزب کمونیست کارگری ایران
سردبیر: فراز آزادی

سهند

دوره دوم شماره 18، تیر ماه 1398، ژوئیه 2019



در این شماره

کشمکش و تنش نظامی رژیم با آمریکا و تاثیرات آن بر مبارزات مردم- فراز آزادی
آزادی بیان، مذهب و بی مذهبی!- مصاحبه با محسن ابراهیمی
روز جهانی مبارزه با خشونت علیه کودکان و مبارزه با کار کودکان- مصاحبه با سیامک بهاری
وضعیت محیط زیست در ایران- مصاحبه با فراز آزادی
کولبری در ایران- مصاحبه با پروین آزاد
اخباری از آذربایجان- شهلا خباززاده
اطلاعیه های کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

آزادی، برابری، حکومت کارگری

کشمکش و تنش نظامی رژیم با آمریکا و تأثیرات آن بر مبارزات مردم!

فراز آزادی

شرایط جدید سیاسی جامعه ایران تحت تأثیر کشمکش نظامی رژیم با آمریکا موهبتی است که جمهوری اسلامی تلاش دارد از آن بهره ببرد و فشار مبارزات مردم، فشار جنبش کارگری و سایر جنبشهای اعتراضی مانند بازنشستگان و معلمین و زنان و دانشجویان بر خود را کاهش دهد. رژیم میگوید خواهان درگیری نیست، ولی در عمل بنا به اظهارات برخی مراجع بین المللی در انفجار کشتی های نفتی در خلیج فارس دست داشته و با زدن پهباد امریکایی نشان داد که بدش نماید که از چنین تنش برای ایجاد فضای جنگی در جامعه بهره مند شود. سخنرانی های خامنه ای و روحانی و برخی سران نظام هم همین را نشان داد.

جنبش سرنگونی طلبی، جنبشهای اعتراضی و موقعیت ضعیف رژیم

جنبش سرنگونی طلبی مردم با فراز و فرودهایی پیش میرود. دیگر همه به آن اذعان دارند که رژیم اینبار از مهلکه یک برآمد سیاسی و انقلابی جان سالم بدر نخواهد برد. انقلاب در راه است. اوضاع اقتصادی و سیاسی جامعه ایران، بحران لاعلاجی که این نظام بعد از چهل سال با آن دست بگریبان است، یک آن فروکش نمیکند.

بازنشستگان در تجمع شان در تهران اینرا نشان داد. بازنشستگان و معلمین بدرستی با شعار " جنگ افروزی را رها کن، فکری به حال ما کن" به این توهم رژیم جواب داد. جامعه ایران را دیگر نمیتوان با این ترفند ها به سکون کشاند.

چگونه میتوان با فضای پرتنش مقابله کرد؟

به نظر من بازنشستگان و معلمین در این زمینه پیشرو بودند و نشان دادند که باید این فضا را بر سر رژیم خراب کرد. اگر رژیم میگوید من خواهان درگیری و جنگ نیستم، بخشا ترس اش از پیشروی جنبشهای اعتراضی مردم است. این واقعیت که هر گونه درگیری نظامی، میتواند رژیم را در برابر مردم سرنگونی طلب ضعیفتر کند، و همچنین فشار اقتصادی ناشی از جنگ هم بر مردم را وادار کند که برای نجات زندگی شان، دست به قیامهای شهری بزنند، یک احتمال قوی است. همین دلایل به رژیم میفهماند که

اعتراضات کارگری تقریباً هر روزه در جریان است، بیکاری و گرانی امان مردم را بریده است. اعتراضات بازنشستگان و معلمان و دانشجویان و زنان ادامه دارند و دیگر دستگیری و زندان نیز یارای سد کردن پیشرویهای این جنبشها نیست. اعتراضات زندانیان سیاسی و جنبش علیه اعدام دیگر امری روزمره شده است. نجات اعدامیان از چوبه دار دارد به عرف جامعه تبدیل میشود. مردم به این باور رسیده اند که میتوان با جلو آمدن و تلاش جمعی فعالین این عرصه، زندگی یک اعدامی را نجات داد، و در این میان سنندج راه نشان میدهد. در دل چنین اوضاعی است که رژیم تلاش دارد از فضای بین المللی پرتنش نظامی علی رغم ظاهر ضد جنگی که بخود میگیرد، استفاده کند. احتمال میدهد که این فضا بخشا جامعه را به سیاست انتظارکشی برای تعیین تکلیف این کشمکش سوق دهد. ولی بخش فعال جامعه و پیشروان جنبشهای اعتراضی به این ترفند رژیم وقعی نمینهند. شعار معلمین و



کشمکش و تنش نظامی رژیم با آمریکا و تاثیرات آن بر مبارزات مردم!

خودش را طرفدار جنگ معرفی نکند و همین دلیل هم ترامپ و سرمایه داری را وامیدارد که بگوید، در صورت آمدن به میز مذاکره، این نظام میتواند حکومتی بزرگ برای مردم اش باشد و به تعریف بهتر، از نظر امریکا، در شرایطی که از اپوزیسیون راست، برای سرمایه داری تنوری گرم نمیشود، همین بهتر که این جانیان با امریکا کنار بیایند و هر بلایی سر مردم خودشان میاورند، بیاورند! به بیانی دیگر، گرسنگی و فقر و فاقه در سایه رژیم جمهوری اسلامی پیشکش مردم ایران!

در این اوضاع متقابلا وظیفه رهبران عملی و فعالین جنبشهای اعتراضی، برگرداندن صحنه به ضد خودش است، تداوم سازماندهی مبارزات و گسترش آن. اینبار شعار علیه جنگ افروزی رژیم هم به خواستها و شعارهای قبلی اضافه شده است. رژیم را باید در این فضا هم محکوم کرد. جامعه ایران، هشتاد و پنج میلیون انسانی که بیش از 85 درصد آن زیر خط فقر بسر میبرند، هر روز در دل این شرایط، جهنم واقعی را تجربه میکنند. گرانی سرسام آور، حقوقهای پنج برابر زیر خط فقر، و میلیونها کارگری که بیکار شده و میلیونها کارگری که با حقوقهای پرداخت نشده، روز را شب میکنند و در برابر خانواده شان، ناراحت از این اوضاع سر

ببالین میگذارند، میلیونها کارمند و حقوق بگیر آن جامعه که هر روز با فقر و نداری دست و پنجه نرم میکنند، و در دل این اوضاع است که جنبشهای اعتراضی مختلف با رهبران عملی و فعالین شناخته شده موجودش، قادرند ورق را برگردانند! گسترش اعتراضات یکی از مهمترین راههای مقابله با فضای پر تنش نظامی است، نباید به رژیم اجازه داد که پشت سنگر مقابله با و مقاومت در برابر امریکا، گرسنگی و فقر و فاقه را بیش از این به جامعه تحمیل کند! مردم قادرند به این اوضاع نقطه پایانی بگذارند و کار را یک سره کنند!

28 ژوئن 2019 برابر با 8 خرداد 1398

برنامه یک دنیای بهتر

ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای در جامعه موجود جز دار و دسته های مسلح و اجیر طبقه حاکم نیستند که به هزینه کارگران و مردم زحمتکش برای تحت انقیاد نگاهداشتن خود آنها و نیز پاسداری از منافع اقتصادی و بازار داخلی بورژوازی هر کشور در مقابل دیگری سازماندهی شده اند. علیرغم اینکه طبقه حاکم میکوشد تحت عناوین مختلف ماهیت طبقاتی و مصرف واقعی ارتش خویش را بپوشاند و آن را ارگانی عمومی و عام المنفعه قلمداد نماید، رابطه تنگاتنگ ارتش ها با طبقات حاکمه و نقش آنها در حراست از منافع اربابان جامعه برای توده وسیع مردم، نه فقط در کشورهای آسیایی و آفریقایی و آمریکای لاتینی که نقش سرکوبگر ارتش و پلیس در آنها برجسته تر و علنی تر بوده است، بلکه در اروپا و آمریکای شمالی هم که اسطوره ارتش غیر سیاسی رواج بیشتری داشته است، کاملا قابل مشاهده است.

حزب کمونیست کارگری مدافع برچیدن ارتش و

نیروهای مسلح حرفه ای است. ارتش و سپاه پاسداران و سایر نیروهای مسلح حرفه ای و نیز کلیه سازمان های نظامی و انتظامی و جاسوسی و اطلاعاتی مخفی باید منحل گردند.

نیروی میلیس شوراهای مردم، مبتنی بر آموزش نظامی عمومی و شرکت همگانی در وظایف انتظامی و دفاعی، جایگزین ارتش حرفه ای و مافوق مردم میشود.

حزب کمونیست کارگری بعلاوه معتقد است که اصول زیر باید در هر حال و تحت هر شرایطی مادام که نیروهای مسلح وجود دارند به اجرا آیند:

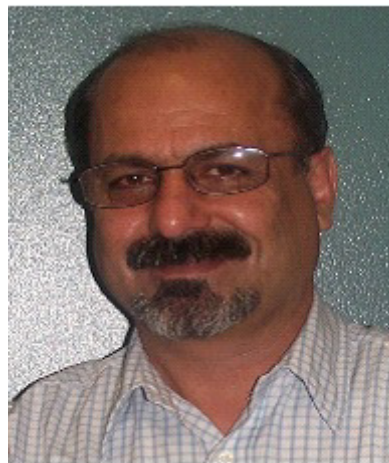
لغو اطاعت بی چون و چرای پائین از بالا در نیروهای مسلح. هر فرد نظامی حق دارد از اجرای دستوراتی که به نظر او با قوانین کشور در تناقض باشد و یا با اصول انسانی و وجدانی وی مغایرت داشته باشد امتناع نماید.

تجمع و تلاش برای حقوقشان و اعتصاب کردن و غیره خیلی مهم است. یا مثلاً آزادی تجمع اعتراضی خیلی مهم است. برای مثال کارگران یا هر بخشی از جامعه برای تحقق خواسته هایشان باید بتوانند حرف بزنند، تبلیغ کنند و تجمع کنند.

اینها خیلی مهم هستند. در مورد اهمیتش یک مثال میزنم. اگر جسم انسان به تنفس احتیاج دارد و با قطع تنفس برای مدت کوتاهی انسان حیات و زندگی را از دست میدهد و زنده نمی ماند، آزادیهایی که مطرح کردم برای زندگی انسان مثل تنفس است، مثل هوا هستند. اگر اینها در جامعه نباشند تأثیرات عمیقی در آن جامعه میگذارند.

اگر بخواهم در چند جمله این موضوع را از جنبه سیاسی و اجتماعی مطرح کنم، خوب روشن است که در جامعه ای که آزادی وجود دارد، در آن جامعه قبل از هر چیز این انسانهای محروم و ستمدیده آن جامعه هستند، انسانهایی که تحقیر میشوند و زیر فشار هستند که از این آزادیها نفع میبرند. آنها احتیاج دارند مبارزه کنند. آنها احتیاج دارند برای گرفتن حقشان تلاش کنند. خوب معلوم است که اولین اثر آزادیها در میان این قشر و طبقه محروم قابل مشاهده است.

دومین جنبه اش که میتوان گفت عمومی تر است این است که در جامعه ای که آزادی نباشد، انسانها از حق بی قید و شرط آزادی بهره مند نباشند، در آن جامعه



میهنی و مذهبی نباید وجود داشته باشند که به نامشان زبان مردم را ببندند و ببرند و یا زندانی کنند. نباید آزادی محدود شود و تحریک و تهدید مذهبی نباید در جامعه باشد. همچنین برنامه بر آزادی مذهب و بی مذهبی تاکید میکند.

محسن ابراهیمی، به برنامه همبستگی انسانی خوش آمدید.

محسن ابراهیمی: خیلی ممنون. خیلی خوشحالم که در برنامه هستم. سلام میکنم به شما و آرش (همکار برنامه در اتاق فرمان) و بینندگان برنامه.

ایرج رضایی: ضرورت این بندهایی که من خواندم چیست؟ چرا در برنامه حزب کمونیست کارگری روی این بندها تاکید شده است؟

محسن ابراهیمی: خوب این بندها مفصل هستند و جنبه های متنوعی دارند. قبل از هر چیز مهمترین مساله این است که در یک جامعه آزادی بیان و آزادی ابراز احساسات به راحتی، یا آزادی انسانها برای متشکل شدن و تشکیل گروه و

آزادی بیان، مذهب و بی مذهبی!

گفتگوی ایرج رضایی با محسن ابراهیمی در تلویزیون همبستگی انسانی

ایرج رضایی: تماشاچیان عزیز به برنامه همبستگی انسانی خوش آمدید. امروز 17 خرداد 1397 است. امروز برنامه مان را اختصاص داده ایم به آزادی مذهب و بی مذهبی و کلا آزادی بیان و ابراز عقیده.

همانطور که میدانید حزب کمونیست کارگری ایران برنامه ای دارد به عنوان یک دنیای بهتر. من اول به سه بند در این برنامه اشاره خواهم کرد و بعد با محسن ابراهیمی که امروز در برنامه مان شرکت دارد در این مورد صحبت خواهیم کرد.

اجازه دهید اول به آن سه بند اشاره کنم. من اینها را به فارسی نمیخوانم و کلا به نکاتی که فکر میکنم مهم است و در سئوالاتمان خواهد بود و در موردشان صحبت خواهیم کرد اشاره میکنم.

عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکیل حزب بدون قید و شرط باید آزاد باشد. این یکی از بندها است. بند دوم میگوید که انتقاد از نظر سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و ایدئولوژیک در جامعه باید آزاد باشد. و به اصطلاح مقدسات ملی و

آزادی بیان، مذهب و بی‌مذهبی!

خلاقیت محدود میشود. آن جامعه به یک جامعه مرده تبدیل میشود، به یک جامعه جامد تبدیل میشود. در آنجا خلاقیت فرهنگی محدود میشود، خلاقیت هنری محدود میشود، خلاقیت فکری محدود میشود. میخواهم بگویم وقتی از این جنبه هم نگاه میکنیم، آزادی بیان بی‌قید و شرط ضروری است. هر جامعه‌ای و هر انسانی به آزادی بی‌قید و شرط عمیقاً احتیاج دارد.

ایرج رضایی: در برنامه مشخصاً اشاره میشود به آزادی نقد مقدسات. یعنی شما میتوانید مقدسات را نقد کنید. چیزی به نام مقدسات نباید در جامعه باشد. وقتی که یک قدرت مردمی و چپ در قدرت باشد، چیزی به نام مقدسات، چه مذهبی، چه ایدئولوژیکی، در جامعه آینده ایران نباید باشد. معنای عملی این چیست؟ چرا روی این تأکید میشود؟ اهمیت نقد مقدسات چیست؟

محسن ابراهیمی: این خیلی مهم است و به نظر من در این بحث که الان مطرح میکنیم واقعاً جنبه حیاتی دارد. چرا مهم است؟ به قانون اساسی جمهوری اسلامی نگاه کنید. در آنجا مثلاً در بعضی از ماده‌ها از آزادی صحبت میکند. ضمن اینکه وقتی به کلیت این قانون اساسی نگاه میکنی یک قانون

ارتجاعی است. این قانون اساسی مجبور شده است جاهایی از آزادی صحبت کند اما بلافاصله در خیلی از قوانین حکومت اسلامی و همین قانون اساسیش هر جایی از آزادی صحبت میکند فوراً در کنارش یک شرط گذاشته است که مثلاً آزاد است مگر اینکه این آزادی باعث شود مثلاً امنیت آن جامعه به خطر بیفتد. میدانیم وقتی اینها از امنیت صحبت میکنند منظورشان روشن است. در حکومت اسلامی که چگونه کارگران را دستگیر میکنند، زندانی میکنند و اولین جرمشان این است که امنیت جامعه را به هم زده اند! معلوم است که معنایش این است که امنیت طبقه حاکم را به هم زده ان که ظاهراً امنیت جامعه تلقی میشود.

میخواهم بگویم که معمولاً در این قوانین فوراً در کنار آزادی شرطی میگذارند و اکثر شرطها به مقدسات مربوط است. مخصوصاً در یک حکومت اسلامی و مذهبی این شرطها اساساً مربوط به مقدسات است. مثلاً در جمهوری اسلامی ظاهراً آزادی هست، یعنی در قانون قید شده است ولی شرطش چیست؟

شرطش این است که به امام توهین نشود، به مقامات جمهوری اسلامی توهین نشود، ولی فقیه احساس نکند که به او توهین شده است. حتی به رئیس‌جمهور هم نباید توهین شود. و البته مقدسات دیگر هم مطرح است. مثلاً در ایران هرکس میخواهد مذهب را نقد کند، از مذهب انتقاد کند، مثلاً بگوید مذهب خیلی چیزهای عقب مانده و ارتجاعی و ضد انسانی دارد، اگر کسی از اینها انتقاد کند فوراً دهانش را می‌بندند. نه تنها دهانش را می‌بندند بلکه زندانی میکنند، و بعضاً حتی به خاطر این "جرم" که انسانها خواسته‌اند از آزادی بیان استفاده کنند و حرف دلشان را بزنند (و مثلاً مقدسات را نقد کنند) به خاطر این نوع صحبتها و "جرمهایشان" احکام سنگینی میگیرند.

مهمترین شرط در رابطه با آزادی بیان، انتقاد و اعتراض این است که نباید هیچگونه شرط داشته باشد. باید بی‌قید و شرط باشد. مقدسات نباید مطلقاً در این رابطه دخیل شوند. در هر جایی، در هر قانونی و در هر جامعه‌ای به محض اینکه مقدسات وارد شود، یعنی اینکه در آن جامعه قرار است مقدساتی در مقابل انسانها مانع ایجاد کند به این عنوان که گویا به مقدسات بخشی از انسانها نباید توهین شود.

آزادی بیان، مذهب و بی مذهبی!

شود، به شاه نباید توهین شود، سلطنت نباید احساس اهانت بکند.

این کلمه مقدس است خودش خیلی مهم است. وقتی یک چیز مقدس است یعنی نمیتوان با آن درگیر شد، نمیتوان علیه آن حرف زد، نمیتوان به آن ایراد گرفت، چون جزو مقدسات است. حالا مقدسات کیست؟ ممکن است اکثریت جامعه آن را مقدس ندانند و در ایران واقعا اکثریت خیلی چیزها را مقدس نمیدانند. از مذهب دور شده اند. به مذهب به عنوان یک ایدئولوژی مخرب برای زندگی‌شان نگاه میکنند. ولی مذهب برای حکومت مقدس است. برای امامان جمعه مقدس است. برای حاکمیت مقدس است و حاکمیت با اتکا بر این مقدسات دهن جامعه را می‌بندد.

در آخر کلام می‌خواهم این را بگویم که مهمترین شرط در رابطه با بیان، انتقاد و اعتراض این است که هیچگونه شرط نباید داشته باشد. بی قید و شرط باید باشد. مقدسات نباید مطلقا در این رابطه دخیل شوند. در هر جایی، در هر قانونی و در هر جامعه‌ای به محض اینکه مقدسات وارد شود، یعنی اینکه در آن جامعه قرار است مقدساتی در مقابل انسانها مانع ایجاد کند به این عنوان که گویا به مقدسات بخشی از انسانها نباید توهین شود.

من یک فرد مذهبی نیستم. نه تنها یک فرد مذهبی نیستم بلکه آتئیست هستم، کمونیست هستم، با مذهب مخالفم، اعتقاد دارم مذهب زندگی انسانها را ویران میکند، میان انسانها جدایی می‌اندازد، و در ایران اکثریت جامعه به این حقیقت پی برده اند چون اسلام در حکومت است و اسلام همه جوانبش را به مردم نشان داده است. ولی در جامعه مورد نظر ما باید همین مذهبها هم آزاد باشند حرفشان را بزنند، تجمع کنند، گروه تشکیل دهند، حتی عقب مانده ترین و ارتجاعی ترین حرفهایشان را هم بتوانند بزنند، تبلیغ کنند، کتاب منتشر کنند، نشریه منتشر کنند، کاملا باید آزاد باشند.

چرا باید آزاد باشند؟ چون وقتی از آزادی بی قید و شرط بیان صحبت میکنید، این باید در رابطه با همه صادق باشد. یعنی نمیتوان بخشی از جامعه را جدا کرد و گفت این بخش آزاد است و بخش دیگر آزاد نیست.

خوب سؤال این است که

در آخر باید بگویم که مقدساتی وجود ندارند، نباید باشند، اگر هم مقدساتی تولید میکنند، مقدسات خودشان است. جامعه باید آزاد باشد براحتی از هر جنبه و از هر جلوه آن جامعه - مذهبی یا غیر مذهبی - انتقاد کند.

ایرج رضایی: در آینده جامعه ایران، نیروهای مذهبی با این افکاری که الان دارند، آزادی فعالیت خواهند داشت یا در مقابل فعالیت آنها مانع ایجاد خواهد شد؟

محسن ابراهیمی: به نظر من، - و در برنامه یک دنیای بهتر این به طور روشن مطرح شده است - در جامعه آینده، اگر جامعه‌ای سکولار است، اگر جامعه‌ای است که در آن مذهب از حکومت جدا شده است، مذهب حق ندارد در امور حکومت و در آموزش و پرورش دخالت کند، در مدارس دخالت کند، و در آن جامعه آزادی بی قید و شرط در قانون منعکس است، در چنین جامعه‌ای باید همه آزاد باشند حرفشان را بزنند.



آزادی بیان، مذهب و بی مذهبی!

حرفها و رفتارهای مذهبیها برای خلیها توهین آمیز است و بخشی از جامعه را واقعا آزار میدهد. برای مثال مذهب به طور روشن زن را انسان حساب نمیکند و این خیلی روشن است که زن در اسلام حق و حقوقی ندارد. اسلام اقلیتهای مذهبی دیگر را برسمیت نمیشناسد، یا حتی اگر برسمیت بشناسد خیلی محدودیت در باره شان اعمال میکند. یا مثلا در رابطه با کودکان پدوفایل است. پدوفایل به این معنا که اسلام رسماً آزار جنسی کودکان را توجیه میکند و حتی تبلیغ میکند. خوب آیا تبلیغات این چنینی در جامعه مورد نظر ما میتواند آزاد باشد؟ آیا اینها به جامعه صدمه وارد نمیکند؟

جواب این است که هر چقدر این نوع نظرها ممنوع شود و زیر زمینی شود، - البته در ایران چنین نخواهد شد چون در ایران ماهیت مذهب افشا شده است - هر چیزی را شما ممنوع کنید، جامعه متوجه عمق آن نمیشود، نمیداند که آن عقیده چقدر مخرب است. اینها آزاد هستند اما از طرف دیگر هم جامعه آزاد است که کاملا مقدسات و نظرات و نگاه ارتجاعی به دنیا را افشا کند. اگر این اتفاق بیافتد مذهبیها

قطعا شکست میخورند.

آخرین نکته ام که مهم است این است که اگر چه مذهبیها باید آزادی بیان داشته باشند و آزادی فعالیت داشته باشند ولی دولت کوچکترین حمایتی از اینها نباید بکند، مطلقاً نباید از امکانات جامعه در اختیار اینها گذاشت. ضمناً اگر آزادی بیان مذهبیها به این معنا باشد که مثلاً بروند در مقابل یک مدرسه به دختران 9 ساله مثلاً توهین کنند که چرا حجاب ندارند، آنگاه باید در مقابلشان ایستاد.

ایرج رضایی: اجازه بدهید من با توجه به کمبود وقت یک سوال دیگر که برایم مطرح است را طرح کنم.

مثلاً الان در اینجا نازیست ها نمیتوانند نژاد پرستی را تبلیغ کنند. اینها محدود هستند. در ایران هم آیا اینطور خواهد بود که اینها نمیتوانند مثلاً به افغانستانیها توهین کنند یا یک ملیت دیگر را پست تلقی کنند یا مردم را مثلاً علیه کمونیستها یا بی مذهبها تحریک کنند؟ آیا این گونه نشریات آزاد خواهد بود؟

محسن ابراهیمی: وقتان بسیار کم است. من گفتم که برای آزادی بیان نباید شرط گذاشت اما اگر آزادی بیان باعث شود به هر شکلی به بخشی از جامعه صدمه وارد شود، (برای مثال در حکومت

اسلامی زمانی افغانستانیها را نگذاشتند در شیراز یا بعضی از شهرها وارد پارکها شوند)، در چنین صورتی حکومت باید مقابل چنین کاری بایستد. ولی تا آنجا که به حرف مربوط است میتوان هر حرفی را زد. در صحبت و در نشریاتشان باید آزاد باشند حرفشان را بیان کنند حتی اگر حرفهایشان ارتجاعی است. زمانی باید مقابلشان را گرفت که عملاً در جامعه به اقدامی دست میزنند که آن اقدام حق یک بخشی از جامعه را زیر پا میگذارد و لگدمال میکند.

ایرج رضایی: خیلی ممنون محسن ابراهیمی. متأسفانه وقتان اجازه نمیدهد که بیشتر از به این موضوع پردازیم. امیدارم در آینده این بحث را بتوانیم ادامه دهیم.

محسن ابراهیمی: خیلی ممنون.

ایرج رضایی: تماشاچیان عزیز برنامه همبستگی انسانی را در ساعت 6 و 15 دقیقه بوقت ایران از تلویزیون کانال جدید میتوانید ببینید. وقت این برنامه به پایان رسید. برای شما شادی و خوشحالی آرزو میکنیم.

یک دنیای بهتر

جامعه به طرق مختلف برجسته و تکرار شده اند، تا حدی که دیگر بعنوان مفاهیمی مقدس در فرهنگ سیاسی توده مردم در سراسر جهان جای گرفته اند. آزادی، برابری، عدالت و رفاه در صدر این شاخص ها قرار دارند.

تصویر همه از یک زندگی مطلوب و یک دنیای ایده آل بیشک یکی نیست. اما با اینهمه مقولات و مفاهیم معینی در طول تاریخ چند هزار ساله جامعه بشری دائماً بعنوان شاخص های سعادت انسان و تعالی

پرتاب می‌کند! هیچ چیز از جهان کودکی از دستبرد وحشیانه و ارتجاعی این حکومت در امان نیست!

به همین دلیل مبارزه برای احقاق حقوق کودک یک رکن و پایه اساسی و یکی از بسترهای اصلی مبارزه جامعه برای رهایی از شر حکومت اسلامی است.



شهلا خباززاده: مبارزه حول حقوق کودک در ایران چرا ضروری است؟

سیامک بهاری: مبارزه برای دفاع از حقوق کودکان یک امر فوری و بشدت اضطراری است. "رفتار هر جامعه با کودکان محک ارزیابی درجه انسانی بودن و آزاد بودن آن جامعه است". ابعاد خشونت علیه کودکان چنان سرسام آور است که در تصور نمی‌گنجد. حقوق کودکان مانند بارومتر جایگاه و منزلت حرمت جامعه است. این را بعنوان یک اصل باید در نظر گرفت. "معیار رفاه جامعه، میزان رفاه کودکان است".

این در حالی است که میلیونها کودک اسیر دست بیرحم بازار کارند. دسترسی به آموزش و پرورش از هر وقت دیگر گرانقیمت‌تر شده است. تعداد کودکانی که از چرخه تحصیل به بیرون پرتاب شده‌اند، مرز هفت میلیون و نیم را هم پشت سر گذاشته است. بیسوادی مطلق در میان کودکان افزایش یافته است.

خصوصی سازی آموزش و پرورش با سرعت غیرقابل باوری افزایش یافته است. عملا

کشاورزی و دامداری تا تراژدی تن‌فروشی و مواد مخدر، در هر گوشه و کنار، کودکان وحشیانه به کار کشیده شده‌اند و در سکوتی جانکاه، قربانی می‌شوند. در همه جا به وضوح خشونت سازمان یافته حکومتی علیه کودکان دیده می‌شود. از آزار جنسی و جسمی در کنج خانه تا مغزشویی سیستماتیک ایدئولوژیک در محیط پلیسی مدارس و حرمان ازدواج کودکان دارد قربانی می‌گیرد. گویی در هر کجا، چاهی بی‌انتهای زیر پای کودکان دهان باز کرده است. وضعیت اسفناک کنونی حاصل و کارکرد حکومت اسلامی و بی‌اعتنایی عامدانه به حق کودکی میلیونها انسان خردسالی است که بی‌پناه در چنگال جمهوری اسلامی به دام افتاده‌اند. این حکومت حتی به میزان سن کودکی هم رحم نمی‌کند. اگر در همه جا بشریت متمدن به این دست یافته است که کودکان تا سقف هیجده سالگی کماکان کودک‌اند، اما قوانین ارتجاعی اسلامی بیرحمانه، دختران را از ۹ سالگی و پسران را از ۱۵ سالگی به دنیای بزرگسالان

روز جهانی مبارزه با خشونت علیه کودکان و مبارزه با کار کودکان

مصاحبه شهلا خباززاده با سیامک بهاری

در ماه ژوئن روزهای چهارم و دوازده ام ژوئن مصادف است با روز جهانی خشونت علیه کودکان و مبارزه با کار کودکان. در این رابطه مصاحبه ای داریم با سیامک بهاری یکی از مسئولین نهاد کودکان مقدمند. سیامک بهاری در این رابطه تهیه کننده و مجری برنامه های کودکان مقدمند در تلویزیون کانال جدید نیز می‌باشد.

شهلا خباززاده: در رابطه با وضعیت کودکان در ایران، کودکان کار و خشونت سازمان یافته‌ای که در جریان است، توضیح دهید.

سیامک بهاری: بی حقوقی و بی پناهی دردناک کودکان با وخامت اقتصادی و بیکاری و گرانی بیشتر از هر وقت دیگر عیان است. نه فقط رانده شدن میلیونها کودک به بازار بیرحم کار، که در همه ابعاد اجتماعی، از خانه و مدرسه تا هر فعالیت اجتماعی دیگر کودکان در معرض بزرگترین آسیب‌های اجتماعی هستند. به هر عرصه‌ای که نگاه کنید از صنعت و تکنیک و معادن، تا هر بیغوله تولید و ساخت و بازیافت، از امور نظامی و انتظامی و امنیتی، تا بخش‌های مختلف بازرگانی و

روز جهانی مبارزه با خشونت علیه کودکان و مبارزه با کار کودکان

وزارت آموزش و پرورش است. با رشد سرسام آور حاشیه نشینی، شمار کودکان بدون هویت و فاقد شناسنامه بیش از یک میلیون تخمین زده می شود.

سوءتغذیه و گرسنگی آشکار ابعاد سراسری یافته است. به علت نرسیدن مواد غذایی ضروری برای رشد، کوتاهی قد کودکان در حال گسترش است. تعداد کودکان بی سرپرست و یا بد سرپرست با سرعت تکان دهنده‌ای رو به رشد است. تأمین دارو و درمان و بهداشت چنان سنگین است که کمتر خانواده‌ای از پس آن برمی‌آید.

مداوما بر خشونت خانگی افزوده می‌شود. شکنجه و آزار جسمی و حتی جنسی کودکان از تصور خارج است. چنانکه مراکز اورژانس و بهزیستی شرایط را اضطراری اعلام کرده‌اند.

رقم ازدواج کودکان از مرز ۹۰۰ هزار عبور کرده است. بیش از ۹۰ هزار کودک مطلقه در کشور یا بی‌سرپرست و یا سرپرست خانواده محسوب می‌شوند.

شهلا خباززاده: وضعیت جنش حقوق کودک در



آموزش و پرورش مانند یک تجارتخانه و مؤسسه بازرگانی به دست بازار آزاد سپرده شده است. آموزش به کالایی لوکس بدل شده است. کسری بودجه پنج‌هزار میلیاردی وزارت آموزش و پرورش بخوبی وضعیت فاجعه بار این وزارتخانه که باید متولی امر آموزش و پرورش باشد را نشان می‌دهد. از کل بودجه وزارت آموزش و پرورش ۹۴ درصد آن پرداخت مستمری کارکنان و معلمان آموزش و پرورش است. مدارس تخریبی، کانکسی، کپری مداوما در حال افزایش‌اند بطوری‌که بودجه عمرانی برای مدارس در سال ۹۷-۹۸ عملاً وجود ندارد. امنیت جانی دانش‌آموزان و معلمان به وضوح در خطر است. وسایل سرمایی و گرمایی نایمن کاملاً رایج است. فقط در یک قلم سازمان نوسازی و تجهیز مدارس در سال تحصیلی جاری ۴۲۰ هزار کلاس درس در کل کشور را فاقد استاندارد و خطرناک اعلام کرد! سرانه دانش‌آموزی چیزی حدود ۲۸ هزار تومان است یعنی عملاً به هر دانش‌آموز در سال تحصیلی نهایتاً ۲ دلار بودجه تعلق می‌گیرد.

مغزشویی سیستماتیک و تبدیل کردن مدارس به پادگان و ماتم‌سرا و تحمیل حجاب به کودکان حتی در مدارس ابتدایی و مهدکودک‌ها و جشن تکلیف برای دختران نه ساله و پسران پانزده ساله از جمله وظایف غیرقابل فراموشی

روز جهانی مبارزه با خشونت علیه کودکان و مبارزه با کار کودکان

ایران چگونه است؟

سیامک بهاری: "منفعت کودکان بر هر ملاحظه و منفعت ملی، قومی، مذهبی، نژادی، اقتصادی، فرهنگی و ایدیولوژیک مقدم است". این پرچمی است که منصور حکمت در دفاع از حق کودک بر سر در جنبش دفاع از حق کودک برافراشت! صحت و سلامت، خط و جهت جنبش دفاع از حق کودکان را همین موضوع تعیین می‌کند.

آنچه بر کودکان در ایران می‌گذرد را جنبش دفاع از حق کودک علنی و افشا کرده است. این جنبش و

فعالین خستگی‌ناپذیر آن، بی‌حقوقی دردناک کودکان در ایران را روی میز اعتراض جامعه گذاشته‌اند

همین جنبش اعتراضی با ایجاد ده‌دها نهاد مدافع حقوق کودک نیروی اجتماعی دفاع از حقوق کودکان را به میدان آورده است. به اعتراضات خط و جهت داده و حق کودک را به بستر اصلی مطالبات جامعه کشانده است.

این جنبشی متعین است که در مصاف‌های تعیین‌کننده‌ای توانسته جایگاه محکم اجتماعی خود را بیابد و روی پای خود بایستد. در اعتراضات جاری جامعه تأثیر مستقیم بگذارد. گرایش‌های محافظه‌کارانه و واپس‌گرای سیاسی که به جای سازمان دادن اعتراضات و سیاسی کردن مطالبات و حقوق کودک،

جامعه را به امورات خیریه‌ای و نظایر آن دعوت می‌کنند را به درجه‌ای کنار بزند.

کمپین‌های شورانگیزی از هنری و ورزشی تا اجتماعات و برپایی فستیوال‌های متعدد تا فراخوان‌های اعتراضی یک وجه بارز عملکرد اجتماعی آن است.

کوتاه کردن دست مذهب از زندگی کودکان یکی دیگر از مشخصه‌ها و محورهای این جنبش است. بر همین اساس در مبارزه با حجاب کودکان، گروگانگیری نهادهای حکومتی و مذهبی از میان کودکان، مقابله با ازدواج کودکان، تلاش بی‌وقفه برای متوقف کردن قصاص و اعدام کودکان یک وجه تمایز این جنبش بالنده با نهادهای خیریه‌ای است. که عامل اصلی و ریشه مصائب بی‌حقوقی کودک را ندیده می‌گیرد و به اقدامات سوزنی و محدود و اغلب نمایشی متوصل می‌شود.

تولید محتوایی و ادبیات سیاسی دفاع از حق کودک یک محور دیگر این جنبش است. فرموله کردن مطالبات آن که به خواست بسیاری از اعتراضات بخش‌های مختلف جامعه بدل می‌شود.

وقتی معلمان دست به اعتراض و تحصن و تجمع می‌زنند یک خواست اصلی آنها خاتمه دادن به آموزش و پرورش کالایی و پولی و ایجاد آموزشی و پرورشی شاد و انسانی است!

در زلزله غرب کشور، سازمان یافته‌ترین نهادهای مردمی در یاری‌رسانی به زلزله‌زدگان نهادهای مدافع حقوق کودک

بودند. در منطقه حاضر شدند و با عزمی ستودنی فعالیت کردند. در سیل اخیر نیز وضع به همین ترتیب بود.

جنبش دفاع از حقوق کودکان در جدالی سنگین با دستگاه‌های امنیتی دست و پنجه نرم می‌کند. جمهوری اسلامی با امنیتی کردن فعالیت و دفاع از حق کودک در صدد است که با سرکوب خشن مانع گسترش آن شود.

بسیاری از چهره‌های محبوب و شناخته شده مدافع حقوق کودکان مانند سعید شیرزاد اساساً به دلیل کمک به زلزله‌زدگان و زرقان تحت تعقیب و پیگرد قرار گرفت و به حبس طولانی محکوم گردید. بهنام ابراهیم زاده شخصیت محبوب کارگری و فعال شناخته شده حقوق کودکان از جمله به دلیل کمک به کودکان زلزله‌زده در غرب کشور و دفاع از کودکان کار و خیابان دستگیر و زندانی شد. آتنا دائمی چهره محبوب دیگری است که به همین "جرم" در زندان است.

علیرغم سیاست سرکوب و امنیتی کردن جنبش دفاع از حق کودکان هر روز با شادابی بیشتری توجه جامعه را به ریشه معضلات و آسیب‌های اجتماعی در پایمال کردن حقوق کودک معطوف می‌کند. این فعالیت اجتماعی شناخته شده‌ای است که ریشه در اعماق خواست‌های به حق جامعه دارد. باید به آن پیوست و بیشتر از هر وقت دیگر آنرا تقویت کرد. ■

وضعیت محیط زیست در ایران

مصاحبه شهلا خباززاده با فراز آزادی در رابطه با وضعیت محیط زیست در ایران و جنبش دفاع از محیط زیست!

شهلا خباززاده: 5 ژوئن روز جهانی محیط زیست است. وضعیت محیط زیست در دنیای امروز چه اهمیتی دارد و شما آنرا چگونه می‌بینید؟

فراز آزادی: در دنیای امروز یک تقابل آشکار بین سیستم سرمایه داری و دولت‌های حافظ منافع سرمایه داران و بشریت مدافع انسان و کره زمین را میتوان دید و دهها و صدها مشاهده را میتوان برشمرد. جنبش دانش آموزی که بر علیه این سیستم ضد بشری، در برخی کشورهای اروپایی برای دفاع از محیط زیست و کره زمین، همین امسال به خیابانها سرازیر شد، یک نمونه شکوهمند میباشد. هر سال دهها کنفرانس و جلسه در سطح دولتها و سازمانهای مدافع محیط زیست و کره زمین تشکیل میشود تا بتوانند برای نجات این کره خاکی که مامن بشر امروزی است، راهی بیابند. دولتها فقط حرف میزنند و عملاً تصمیمات نیم بندشان نیز هیچگونه ضمانت اجرایی ندارد. میلیونها هکتار از جنگلها در کشورهای آسیایی و افریقایی و امریکای جنوبی سالانه از بین میرود، سالانه صدها رودخانه و دهها دریاچه

در سطح همین کشورها خشک میشود، و همینطور حیوانات زیادی از بین میروند که برای حفظ محیط زیست مفید هستند. تمام این جنایتها علیه کره زمین و محیط زیست و بشر، از طرف دولتها و طبقه سرمایه دار و برای حفظ سود سرمایه صورت میگیرد. بشر امروز دیگر بجایی رسیده است که برای حفظ محیط زیست باید حکومت‌های سرمایه داری را بزیر بکشد و افق اجتماعی و سیاسی و اقتصادی طبقه کارگر که همانا یک سیستم انسانی در اقتصاد و سیاست است، را نمایندگی کند و بخاطر زندگی انسان به کره زمین ارزش قائل میشود را در جای جای این دنیا متحقق سازد. این یعنی برقراری سوسیالیسم و برچیده شدن سیطره سرمایه داری در کشورهای مختلف دنیا. تنها سوسیالیسم است که قادر است، محیط زیست را از گزند سود و منفعت سرمایه داری نجات دهد.

شهلا خباززاده: در ایران محیط زیست چه وضعیتی دارد؟

فراز آزادی: همانهایی که در سطح جهانی در سوال اول را برشمردم، شما میتوانید صد برابر کنید تا به وضعیت اسفناک محیط زیست در ایران برسید. در طول 40 سال گذشته، جمهوری جنایت و دزد و آدمکش اسلامی در ایران محیط زیست را بطور فاحشی شخم زده و از بین برده است. آمارها نشاندهنده اینست که در طول چهل سال گذشته بیش از 40 درصد جنگلها از بین

شهلا خباززاده: چه عواملی در وضعیت فعلی محیط زیست در ایران نقش اصلی را دارند؟

فراز آزادی: در یک کلام **عامل انسانی!** خود سازمان محیط زیست ایران نیز این مهم را برجسته و به این اذعان دارد. به نظر من این رژیم نیتی جز تحویل سرزمین سوخته به مردمی که اشکارا قصد بزیر کشیدن اش را کرده اند، ندارد! این جنایتکاران و دزدان، عملاً تا امروز همین را با سیاستهای ضد محیط زیستی شان،

وضعیت محیط زیست در ایران

آشکارا باثبات رسانده اند. در تاریخ ایران، هیچ رژیم‌ب باندازه جمهوری اسلامی جنگل‌ها و مراتع و رودخانه‌ها و دریاچه‌ها را نابود نکرده است. بی توجهی به محیط زیست، اساس نگرش این‌ها در برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی شان است. شما هر گوشه از برنامه‌های کلان و جزئی چهل سال گذشته را با دقت ارزیابی کنید، متوجه می‌شوید که ریشه آسیب زدن به محیط زیست در ایران، همگی نتیجه عملکرد عوامل انسانی بوده و نیازی به موشکافی و ژرف اندیشی نیست. سیل سه ماه قبل در سرتاسر ایران نشان از همین سیاست دارد. در همه شهرهای سیل زده، مردم بروشنی دریافتند که علت خرابی‌ها و خانه‌خرابی و خسارات جانی و مالی، ناشی از همین بی توجهی آشکار به ابتدایی‌ترین اصول حفظ محیط زیست از طرف رژیم می‌باشد.

بد نیست که اینجا به یک نکته مهم اشاره کنم که در جامعه آذربایجان ما با تبلیغاتی از طرف ناسیونالیست‌های ترک روبرو هستیم که عامل ملی و قومی و تبعیض ملی را یک عامل مهم در تخریب محیط زیست میدانند. بدین شکل که علت بی توجهی رژیم مثلا به خشک شدن دریاچه ارومیه را تاثیر سیاست‌های ناسیونالیسم فارس در آذربایجان ارزیابی و به خورد مردم می‌دهد. آنها بدین

شکل رژیم حافظ نظام سرمایه داری و خود سیستم سرمایه داری را از زیر ضرب جنبش سرنگونی رها می‌کنند. کوچکترین دقت در وضعیت محیط زیست و نابودی جنگل‌های شما کشور و زاگرس مرکزی و نابودی مراتع و خشک شدن دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و دریاچه‌ها و استان‌های مرکزی و تهران، خشک شدن زاینده رود و غیره نشان می‌دهد اسن رژیم ترک و فارس و عرب و عجم نمی‌شناسد، با اعمال سیاست‌های ضد محیط زیستی و بی توجهی به هر آنچه طبیعت نامیده می‌شود، فقط سود سرمایه و غارت و چپاول می‌شناسد و بس! نامیدن این سیاست به تبعیض ملی کم فروشی در برابر اینهمه ظلم در برابر مردم ایران است!

شهلا خباززاده: جمهوری اسلامی فعالین طرفدار محیط زیست را تحت تعقیب و آزار قرار داده و تعداد زیادی از آنها در زندان بسر می‌برند. این رفتار جمهوری اسلامی چه دلایلی دارد؟

فراز آزادی: جمهوری اسلامی در ایران با یک جنبش خودآگاه دفاع از محیط زیست،

روبرو شده است. این جنبش ان جی او هایش را دارد، فعالین اش را دارد که در اشکال مختلف در فعالیت هستند. جنبش دفاع از محیط زیست، ابعادی به گستره ایران دارد. مجموعه ای از فعالیت‌ها در دستور این جنبش می‌باشد. حرکت شکارچیانی که در هماهنگی باهم تفنگ هایشان را در آتش می‌اندازند که بگویند " ما مدافع حفظ گونه‌های مختلف حیوانات هستیم." تشکیل انجمن‌هایی مانند انجمن سبز مریوان که زنده یاد شریف باجور عضو اش بود و در جریان جلوگیری از گسترش آتش و خاموش کردن آتش سوزی در جنگل‌های مریوان، همراه سه همراه دیگرش کشته شد. آتش سوزی جنگل‌های مریوان بعمد و بدست سپاه پاسداران انجام شده بود. تشکیل زنجیره‌های انسانی در دفاع از رودخانه‌ها و دریاچه‌ها و جنگل‌ها، تا تشکیل گروه‌های دفاع از حیوانات، تا تشکیل گروه‌های کاری علمی و تحقیقی در مراکز علمی و دانشگاهی و حتی در درون خود سازمان محیط زیست دولت، مجموعه ای از فعالیت‌هایی است که نشان می‌دهد، جمهوری اسلامی، با



وضعیت محیط زیست در ایران

سیاست‌هایش، دشمن اصلی محیط زیست و نابودی آن است. اینجا بهتر است یاد کنیم از کاووس سید امامی، استاد دانشگاهی که بدون توجه به سیاست‌های تعیین شده از طرف رژیم، دست به تحقیقات خوبی زده بود که نشان میداد چگونه فعالیت‌های هسته ای رژیم و آزمایشات مربوط به این عرصه، آب‌های زیر زمینی ایران را آلوده کرده است. این استاد دانشگاه در نهایت دستگیر و زندانی شده و در زندان کشته شد. دقیقاً به همین دلایل روشن رژیم اقدام به تعقیب و آزار و اذیت و دستگیری و زندانی کردن فعالین این جنبش میکند. با این نیت که جلوی این مبارزه جانانه علیه خودش را سد کند. این جنبش با زندانی کرده فعالین اش و کشتن آنها در زندان‌های

معنی است. در طول سه دهه گذشته در درون نظام، چه سازمان محیط زیست و چه عواملی از اساتید دانشگاهی (در داخل و خارج از ایران) بکرات در مورد خطرات زیست محیطی گفتند و نوشتند و بخشا در رسانه های داخلی نیز منعکس شد، ولی نکته اساسی اینجاست که سیاست‌های محوری و کلان رژیم، کاملاً با حفظ محیط زیست بیگانه است و برای حفظ سود سرمایه و تداوم دزدیهای عوامل رژیم و بویژه از عوامل و ارگان‌های مختلف وابسته به سپاه و اطلاعات هیچ رحمی به محیط زیست نخواهند کرد. به همین دلایل روشن، نجات محیط زیست در ایران به سرنگونی این رژیم گره خورده است!

26 ژوئن 2019 برابر با 6 تیرماه
1398

رژیم، از تحرک نخواهد افتاد. این جنبش از نظر سیاسی و اجتماعی با جنبش و افق رادیکال طبقه کارگر گره خورده است و خواهان سرنگونی این نظام و برچیده شدن سیستم سرمایه داری می‌باشد، تا برای همیشه محیط زیست ایران را برای زندگی نسل‌های آتی مردم حفظ و حراست نماید.

شهلا خباززاده: برای متوقف ساختن روند نابود سازی محیط زیست چه باید کرد؟

فراز آزادی: به نظر من بطور واقعی نجات ایران از نابودی محیط زیست اش، در گرو بزیر کشیدن رژیم جمهوری اسلامی است که بحق مردم دست بکار آن هستند. با وجود این رژیم داعشی، که همه برنامه هایش برای حفظ نظام سرمایه داری و دزدی و غارت و چپاول ثروت عمومی جامعه است، تصور کوچکترین بهبودی در وضعیت محیط زیست بی

قسمتی از بیانیه حزب کمونیست کارگری درباره تخریب محیط زیست در ایران

در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی و اقتصاد مافیائی حاکم، غارت و چپاول منابع طبیعی و تخریب محیط زیست ابعاد بسیار جنایتکارانه ای بخود گرفته است. علاوه بر این عدم رعایت حتی ابتدائی ترین استانداردها و موازین پیشرو بین المللی در حفظ محیط زیست، به یک سیاست مداوم و معمول در جمهوری اسلامی تبدیل شده است. در جمهوری اسلامی همه پروژه های اقتصادی، در بخش دولتی و خصوصی، بدون در نظر داشت مسائل زیست محیطی انجام می گیرد و کل این وضعیت به نابودی زیستگاه مردم و گیاهان و حیوانات منجر می شود.

آلودگی شدیداً هشدار دهنده هوا، روند سریع نابودی جنگلها، تخریب پوشش گیاهی و مراتع، نابودی تالاب ها، روند خشک شدن رودها، خشک شدن دریاچه های مختلف، گسترش بیابان زایی و طوفان نمک و گرد و غبار، کمبود فزاینده منابع آب آشامیدنی، خشکسالی های فزاینده و مهلک، آلودگی های خطرناک صنعتی، مشکل دفع زباله های بیمارستانی، ویرانی اکوسیستم های دنیای وحش، آلودگی شدید دریای خزر و نابودی آبزیان و بالاخره عوارض خطرناک ناشی از برنامه هسته ای رژیم، گوشه هایی از ابعاد فاجعه آمیز زیست محیطی در ایران هستند.

کولبری در ایران



پروین آزاد

این نوشته بر مبنای یکی از برنامه های تلویزیون همبستگی انسانی و مصاحبه ایرج رضایی با پروین آزاد، تنظیم شده است.

1- به چه کسانی کولبر گفته میشود و اینکار بیشتر در چه مناطقی از کشور رواج دارد؟

پروین آزاد: کولبر اصطلاحی است که توسط مردم محلی مناطق کرد نشین به افرادی گفته میشود که برای کسب درآمد زندگی خود به حمل اجناس از کشور عراق به داخل ایران مبادرت می‌ورزند. کولبران بیشتر در استانهای آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه مشغول به این کار هستند. آنها بخاطر بیکاری در قبال دستمزد ناچیزی اقدام به عبور دادن کالاهای خارجی میکنند. کولبری یکی از خطرناکترین شغلها به شمار می‌آید. این

کولبران عمدتاً توسط نیروهای نظامی مستقر در مرزها کشته میشوند. بیشترین آمار کشته شدگان کولبر به شهرهای مریوان، سردشت، اشنویه، بانه، نوسود و کرمانشاه تعلق دارد.

2- چرا مردم این استانها در این مناطق مبادرت به کولبری میکنند و چه خطراتی متوجه این کولبران است؟

پروین آزاد: مردم این مناطق بخاطر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فلاکت اقتصادی حاکم و بخاطر بیکاری و بمنظور بدست آوردن لقمه نانی برای خود و خانواده هایشان در قبال دریافت دستمزد اندکی اقدام به کولبری میکنند.

در میان کولبران نه تنها زنان و مردان بلکه حتی دانشجویان و دانش آموزانی نیز هستند که برای هزینه تحصیل شان به این شغل خطرناک روی آورده اند.

سن کولبران از کودکان ۱۰ ساله گرفته تا مردان ۸۰ ساله است. تبعیض و ستم ملی و نبود کارخانجات صنعتی و

کولبران گاهی ۱۰۰ تا ۱۵۰ کیلو بار را در کوه و در سرما و کولاک و برف جابجا میکنند. کالای مورد نظر بدون پرداخت عوارض طبق تعریف دولت جمهوری اسلامی قاچاق محسوب میشود. بیشتر این اجناس عبارتند از: تلویزیون، کولر، بخاری، سیگار، لاستیک خودرو، پوشاک و منسوجات.

این کالاها یا از طریق حیوان بارکش یا بر پشت کولبران از مناطق صعب العبور مرزی به داخل شهرها و روستاهای مرزی انتقال داده میشود. این اجناس از طریق کردستان عراق وارد کردستان ایران میشود و از آنجا به تمام ایران فرستاده میشود. طبق آمار غیر رسمی ۳۵۰ تا ۵۰۰ هزار کولبر وجود دارد. دستمزد کولبرها هم بسته به جنس بار، سنگینی آن و مدت زمانی که در راه هستند متفاوت است. از ۱۰۰ هزار تا ۵۰۰ هزار تومان.

هرساله بیش از صدها نفر از کارگران کولبر جان خود را در مرزهای کشور ایران از دست می‌دهند. بدین معنی که



مرزبانی با بستن گذرگاه‌های مرزی، حفر چاله‌های بزرگ، ایجاد دیوار مرزی و کشتن اسب‌ها و قاطرهای کولبران، سعی کرده‌اند از کولبری و ورود و خروج کالا از گذرگاه‌های مرزی جلوگیری کنند.

فاجعه مرگ یا کشتن یک کولبر جدا از کشتن یک انسان که جنایت است، به معنای بی‌سرپرست شدن یک خانواده و از دست دادن نان‌آور آن نیز محسوب می‌شود.

کمپین حقوق بشر ایران در تاریخ ۳۰ خرداد ۹۶ با انتشار بیانیه‌ای که توسط ۲۵۰ فعال مدنی تهیه شده بود، شلیک به سوی کولبران و کشتن آنها توسط نیروهای مرزبانی را محکوم کرد.

در این بیانیه شلیک به کولبران، شلیک کور و برخورد خشونت‌آمیز خوانده شد.

ما معتقدیم راه‌حل مقابله با بحران کولبری، نه تنها تیراندازی به سوی کولبران نیست بلکه مقابله با فقر، اشتغال‌زایی و برداشتن نگاه‌های تبعیض‌آمیز است که فقط در یک دولت مردمی و آزاد امکان پذیر است. ■

27 ژوئن 2019 برابر با 6 تیر 1398

باقی مانده است. در هر صورت آنان چه با کولبری و چه بدون کولبری، با فقر و مرگ روبه‌رو هستند زیرا در شهرها و روستاهایشان خبری از اشتغال‌زایی و رفاه نسبی که باید به عنوان شهروند از آن برخوردار باشند، نیست.

در واقع کولبری تنها انتخاب تحمیل شده بر این مردمان است.

دولت با سلب مسئولیت از خود، و به جای چاره‌اندیشی و ارائه راهکارهای مناسب مانند فقرزدایی، اشتغال‌زایی و برداشتن نگاه امنیتی از روی این مناطق، با صدور دفترچه کولبری، سعی میکند آن را کنترل کند و به رسمیت بشناسد که خود امری غلط است، زیرا کولبری نه تنها شغل نیست، بلکه امرار معاش از روی احتیاج است.

از سوی دیگر دولت با غیرقانونی خواندن کولبری، دست نیروهای انتظامی مرزبانی و سپاه پاسداران را برای آتش گشودن به سوی کولبران باز می‌گذارد. فشار بر کولبران روز به روز افزایش می‌یابد و تقریباً هر روز تعدادی از کولبران در مرزهای ایران یا در اثر حوادث طبیعی یا با شلیک نیروهای مرزبانی جان می‌دهند

یا زخمی می‌شوند.

مقابله با کولبری تنها در تیراندازی به کولبران خلاصه نمی‌شود. در

موارد متعددی نیروهای

تولیدی و جنگ تحمیلی هشت ساله ایران و عراق و نبود اراضی کشاورزی مناسب و وجود مینهای پاک‌سازی نشده باعث شده که مردم این مناطق برای تامین مایحتاج زندگی دست به این کار خطرناک و جانفرسا بزنند.

شلیک مرزبانان به کولبران، انفجار مین، پرت شدن از کوه، کشته شدن در اثر ریزش بهمن و یخبندان، سیل و سایر حوادث طبیعی از جمله خطراتی است که کولبران را تهدید میکند.

مساله کولبری و حل بحران آن ابعاد بسیار وسیع و زوایای مختلفی دارد که مهم‌ترین عامل کولبری، نگاه امنیتی حاکمیت به مناطق مرزی کشور، فقر و محرومیت مطلق است که در این مناطق حکمفرماست.

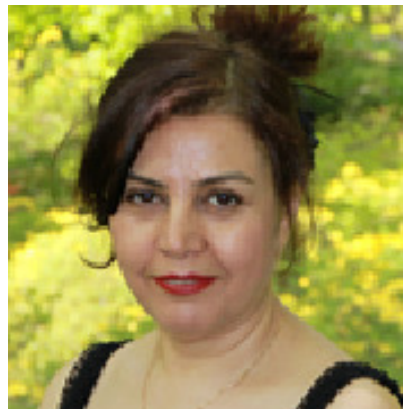
تحقیقات دانشگاه فردوسی مشهد در مورد ارزیابی و تحلیل شاخص‌های توسعه انسانی در مناطق شهری که در آذر ماه ۹۵ منتشر شد، نشان می‌دهد نامطلوب‌ترین شاخص‌های توسعه انسانی متعلق به سه استان کردستان، آذربایجان غربی و سیستان و بلوچستان است.

آمار بیکاری نیز به روشنی بیان می‌کند استان‌های مرزی کشور، بیشترین درصد بیکاری را دارا هستند.

با نگاه به شرایط زندگی این استان‌ها به‌خصوص در مناطق مرزی، می‌توان دریافت که کولبری تنها راهی است که برای شهروندان این مناطق



اخباری از آذربایجان



شهلا خباززاده

۵ خرداد

• سه کارگر حین کار در روستای امامزاده از توابع ارومیه از داربست سقوط کردند و یک نفرشان جانش را از دست داد و دونفر دیگر بشدت مجروح و به بیمارستان منتقل شدند.

۷ خرداد

• بدنال تیراندازی مستقیم نیروهای نظامی بسوی کولبران در مرز پیرانشهر چند کولبر کشته و زخمی شدند. تاکنون هویت دو کولبر بنام های خالد سلیمی اهل سردشت و آقام باردل اهل مهاباد رسانه ای شده است.

۹

خرداد

• معلمان در اردبیل

با هشتک نه به وثیقه و نه به اخراج محمد حبیبی و با خواستهای تحصیل رایگان برای همه کودکان، افزایش حقوقها به بالای خط فقر هفت میلیونی، درمان رایگان، پایان دادن به کالایی کردن آموزش، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات، آزادی تمامی همکاران بازداشت تجمع داشتند و با شعارهای معیشت، منزلت، حق مسلم ماست، "معلم زندانی آزاد باید گردد" دست به اعتراض زدند.

۱۱ خرداد

• دو کارگر ۴۴ و ۵۱ ساله اهل شهرستان بناب در جنوب استان آذربایجان شرقی حین گودبرداری در عمق بیش از چهار متری در بلوار آیت الله خویی شهر خوی زیرآوار مدفون و جانشان را از دست دادند.

۱۷ خرداد

• همزمان با بازدید معاون رئیس جمهوری از معدن طلای ساریگونی قروه، اهالی روستاهای بهارلو و داشکسن در اعتراض به عدم پاسخگویی به خواسته هایشان و وعده

های توخالی مسئولان با تجمع اعتراضشان را بنمایش گذاشتند.

۲۰ خرداد

• جمعی از کارگران خط یک قطار شهری تبریز، در اعتراض به پرداخت نشدن ده ماه حقوق خود دست از کار کشیده و تجمع کردند. در این روز نیروی سرکوبگر انتظامی وارد شده و تجمع کارگران را متفرق کرد. کارگران قطار شهری تبریز قبلا نیز تجمعات متعددی در رابطه با این موضوع برپا کرده و بر پرداخت حقوقهایشان تاکید کردند. اعتراض این کارگران ادامه دارد.

۲۱ خرداد

• کارگران قطار شهری خط یک تبریز در اعتراض به عدم پرداخت ۱۰ ماه حقوق معوقه و سایر مطالباتشان دست از کار کشیده و تجمع اعتراضی برپا کردند. نیروهای انتظامی و سرکوب به محض اطلاع از این اعتصاب و تجمع کارگری، برای متفرق کردن کارگران اعتصابی وارد عمل شدند.

• یک کارگر شهرداری اردبیل حین کار در اطراف چاه فاضلاب در شهرک سینای اردبیل بر اثر سقوط در چاه فاضلاب و گاز گرفتگی جانش را از دست داد.

۲۳ خرداد

• کشته و زخمی شدن ۳ کارگر در حادثه ریزش ساختمان در زنجان

سه کارگر حین کار گودبرداری در ساختمانی واقع در منطقه وحیدیه شهر زنجان بر اثر ریزش آوار کشته و زخمی شدند.

رئیس مرکز مدیریت حوادث و



اخباری از آذربایجان

فوریت‌های پزشکی استان زنجان گفت: دبر اثر ریزش ساختمانی در یکی از مناطق شهر زنجان یک نفر جان باخت و ۲ نفر دیگر مصدوم شدند. وی افزود: بررسی‌ها نشان می‌دهد حادثه به علت احتمالی گودبرداری و ریزش آوار باعث مصدومیت سه نفر کارگر شده است که یک نفر آنان مرد ۴۳ ساله به علت شدت آسیب تحت احیا قلبی ریوی به بیمارستان ولیعصر منتقل شد اما تلاش‌ها جواب نداد و وی جان باخت. ۲ مصدوم ۲۹ و ۵۵ ساله به مرکز تخصصی و فوق تخصصی آیت الله موسوی زنجان منتقل شدند و بنا بر گزارش‌های واصله وضعیت آنان تا حدودی مناسب گزارش شده و تحت درمان‌های لازم قرار دارند.

۲۵ خرداد

• کارگران شهرداری اشنویه در استان آذربایجان غربی در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان برای چندمین بار دست از کار کشیدند. بنا بر خبر این کارگران حقوق ۴ ماه آخر سال ۹۷ خود را هنوز دریافت نکرده‌اند.

• اعتراض کارگران گنبد سلطانیه زنجان نسبت به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق وعیدی سال جدید

کارگران گنبد سلطانیه زنجان اعتراضشان را نسبت به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق وعیدی سال جدید رسانه‌ای کردند. بدنبال اعتراض کارگران گنبد سلطانیه زنجان، مدیرکل میراث

فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان در تاریخ ۲۵ خرداد به خبرنگار رسانه‌ای گفت: حقوق و معوقات کارگران گنبد سلطانیه تا آخر خرداد پرداخت می‌شود.

۲۶ خرداد

• بدنبال اعتراض روز ۱۲ خرداد ماه سال جاری، کارگران پروژه خط انتقال آب رود ارس به تبریز نسبت به عدم پرداخت ماه‌ها حقوق، عیدی سال جدید، حق سنوات و اضافه کاری، تمامی کارگران اخراج شدند.

۲۸ خرداد

• کشته و زخمی شدن ۳ نفر در حادثه واژگونی خودرو حامل کارکنان شبکه بهداشت و درمان میانه

بدنبال واژگونی خودرو حامل کارکنان شبکه بهداشت و درمان میانه یکی از کارکنان زن شبکه بهداشت و درمان میانه با ۲۵ سال سن و راننده ۴۵ درم جان‌شان را ازدست دادند و یک کارشناس مامایی مرکز سلامت شیخدر آباد مصدوم و به بیمارستان منتقل شد.

۲۹ خرداد

• امیر ستاری زندانی سیاسی محبوس در زندان تبریز، در اعتراض به افزایش حکم اش از ۸ روز پیش دست به اعتصاب غذا زده است. امیر ستاری از بازداشت شدگان تظاهرات و اعتراضات مردم علیه رژیم در دیماه ۹۶ می‌باشد. او قبلاً ۷ ماه و ۶ ماه حبس گرفته بود، ولی در ابان ۹۷ به ۵ سال افزایش داده شده است.

۱ تیر

• علی نکویی فر؛ رئیس مرکز تحقیقات آرتمیا شنبه (۱ تیر) در گفتگو با «ایرنا» به تشریح آخرین وضعیت روند مرگ تدریجی آرتمیای دریاچه اورمیه پرداخت.

علی نکویی فر گفت: «وقتی شوری آب افزایش می‌یابد میزان اکسیژن آن کاهش می‌یابد و آرتمیایا مجبور می‌شوند تا خون خود را برای جذب اکسیژن بیشتر غلیظتر کنند که این موضوع موجب قرمز شدن آب دریاچه می‌شود.»

وی با اشاره به انباشت آرتمیایا تلف شده در سواحل دریاچه اورمیه نیز اضافه کرد: «شرایط شوری آب در دریاچه اورمیه بین ۱۸۰ تا ۲۰۰ گرم در لیتر در شمال دریاچه طبیعی است و جلبک و آرتمیا نیز در دریاچه وجود دارد.»

این مقام مسئول تاکید کرد: «با افزایش دما و افزایش شوری آب احتمال مرگ و تلف شدن این جانداران نیز دور از انتظار نیست و به علت شناور بودن به سواحل هدایت و در آن مکان انباشت می‌شود.»

«آرتمیا»، گونه جانوری قرمز کوچکی است که در سال‌های پرآبی دریاچه اورمیه در همه جای آن به وفور یافت می‌شد اما پس از مواجه شدن با خشکی کم‌کم ناپدید شد.

نام علمی «آرتمیا اورمیا» *Artemia urmiana* دریاچه اورمیه به عنوان یکی از ۷ گونه آرتمیا شاخص جهانی، که زیستگاه اصلی آن دریاچه اورمیه است.

اکنون در اثر افزایش نسبی حجم و تراز آب دریاچه بدلیل

اخباری از آذربایجان

بارش ها، این سخت پوست سخت جان دوباره به قلمروی خود بازگشته است.

• تغییر اسم تراکتور سازی تبریز نام باشگاه تراکتورسازی تبریز رسماً به «باشگاه فرهنگی ورزشی تراکتور آذربایجان» تغییر کرد اما گفته می‌شود تیم با نام «تراکتور» در لیگ برتر حضور خواهد داشت. !بنا به درخواست هواداران تراکتور آذربایجان و با تصمیم محمدرضا زنوزی مالک باشگاه تراکتورسازی، شنبه (۱ تیر) نام این باشگاه رسماً به تراکتور آذربایجان تغییر نام داد.

۲ تیر

• دادگاه رسیدگی به اتهامات «توحید امیر امینی» و «کیانوش اصلانی» دو فعال آذربایجانی محبوس در زندان اوین، چهار ماه پس از دستگیری‌شان در تهران برگزار شد.

دادگاه این دو فعال ترک که اوایل اسفندماه سال ۹۷، در ارتباط با گرامیداشت «روز جهانی زبان مادری» در تهران بازداشت و به زندان اوین منتقل شده‌اند، صبح دیروز یکشنبه دوم تیرماه ۹۸، در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران با حضور کارشناسان اداره اطلاعات و به ریاست «قاضی ماشالله احمدزاده» برگزار شد.

«اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت ملی کشور و فعالیت تبلیغی علیه نظام» دو اتهامی بوده که این دو فعال آذربایجانی ضمن رد آنها، در مقام دفاع از اقدامشان مبنی

بر تکثیر بروشورهای مرتبط با روز جهانی زبان مادری برآمده‌اند.

• در اردبیل تظاهرات و راهپیمایی مردم در حمایت از حضور زنان در استادیوم های ورزشی

شعار: آذربایجان قیزلاری/ گویلرین اولدوزلاری
معنی: دخترای آذربایجان/ ستاره ی آسمان ها

زنان هم مانند مردان حق حضور در همه ی اماکن عمومی را دارند. همواره شاهد این حق طلبی از طرف زنان بوده و هستیم و امروز می بینیم حمایت مردان بیشتر و بیشتر شده است.

• رئیس کمیسیون محیط زیست و خدمات شهری در تبریز، خطرات زیست محیطی این کلان شهر را بسیار تهدید آمیز عنوان نمود و وضعیت مرکز دفن زباله در این شهر را «اسفناک» توصیف نمود.

عبدالله تقی پور خطر زیست محیطی که در تبریز هست را بسیار نگران کننده عنوان کرد؛ که باید پررنگ شود.

وی اظهار داشت: فکر می کنم اعضای شورا به مرکز دفن زباله نرفته اند، بوی نامطبوع و وضعیت این منطقه اسفناک است و یکی از بزرگترین مخاطره های تهدید کننده تبریز در حوزه محیط زیست است.

وی افزود: ۱۶۰ هزار متر مکعب روزانه شیرابه زباله تولید می شود، اما شرایط تصویه آن را نداریم!

زباله‌گردها شامل گروه‌های سنی و جنسی مختلف می‌شوند. زنان و کودکان از جمله افرادی هستند که عمل تفکیک زباله را انجام می‌دهند.

زباله گردها در ازای دریافت مبلغی کار تفکیک را در محل‌های جمع آوری زباله انجام می‌دهند.

۶ تیر

• یک گلوله خمپاره عمل نکرده به جا مانده از جنگ ۸ ساله ایران و عراق در حیاط دانشکده پیراپزشکی شهرستان مهاباد در استان آذربایجان غربی پیدا شد.

• در حدود ۴۲۰۰۰ کیلومتر مربع از اراضی ایران آلوده به مین های به جا مانده و عمل نکرده جنگ ایران و عراق است.

دولت ایران نیز همچنان به تولید و کاشت مین های ضد نفر ادامه می دهد و برخلاف مقاوله نامه های بین المللی، معتقد است استفاده از این مین ها تنها راه مؤثر برای تأمین امنیت مرزهای طولانی این کشور است.

عدم پاکسازی یا نشانه گذاری کافی میادین مین هر ساله موجب تلفات انسانی در ایران می شود.

• مرگ ۴۸ نفر بر اثر سوء مصرف مواد مخدر طی یک سال در اردبیل

بهنام بهشتی، دبیر شورای هماهنگی مبارزه با موادمخدر استان اردبیل گفت: ۴۸ نفر در سال گذشته بر اثر سوء مصرف موادمخدر در استان اردبیل جان باختند. ■





حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party Of Iran

اطلاعیه کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری
ایران

از اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران قطار شهری تبریز حمایت کنیم!

بنا به اخبار درج شده در رسانه ها: "روز دوشنبه ۲۱ خرداد، کارگران قطار شهری خط یک تبریز در اعتراض به عدم پرداخت ۱۰ ماه حقوق معوقه و سایر مطالباتشان دست از کار کشیده و تجمع اعتراضی برپا کردند."

نیروهای انتظامی و سرکوب به محض اطلاع از این اعتصاب و تجمع کارگری، برای متفرق کردن کارگران اعتصابی وارد عمل شدند.

در شرایط اجتماعی - اقتصادی فعلی حاکم بر ایران، ما با یک افلاس و فروپاشی اقتصادی روبرو هستیم که هیچ امیدی به تغییر در آن متصور نیست. با وجود رژیم ایت الله های دزد و اختلاسگر و جنایتکار در حاکمیت سیستم سرمایه داری ورشکسته ایران، برای دفاع از زندگی کارگران و بخشهای مزدبگیر جامعه، ممکن ترین راه، اعتصاب و اعتراض میباشد. کارگرانی که ده ماه حقوقهای پنج شش برابر زیر خط فقرشان نیز پرداخت نشده است، هر روزه تحت فشار و فلاکت اقتصادی زجر میشوند و تازه در صورت دست کشیدن از کار و درخواست همین حقوقهای ناچیز با یورش پلیس و نیروهای سرکوبگر مواجه میشوند. اسم این زندگی نیست! یک جهنم واقعی است که میلیونها کارگر و مزد بگیر آن جامعه دارند در دل آن میسوزند و زجر میکشند.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران، ضمن حمایت از این اعتصاب و تجمع اعتراضی، از کارگران و مردم تبریز میخواهد که کارگران را در این اعتراض تنها نگذارند. میتوان با حمایت از اعتراضات کارگران و گسترش آن، رژیم را وادار به عقب نشینی کرد. سکوت در برابر فشار نیروهای سرکوبگر و عقب نشینی از اعتصاب و تجمع، تن دادن به این جهنمی است که به ما مردم و کارگران تحمیل شده است. با اتحاد و همبستگی صفوف مان میتوانیم به مقابله با رژیم برخیزیم!

پیش بسوی اعتصابات و اعتراضات سرنا سری کارگران!

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ خرداد ۱۳۹۸ برابر با ۱۱ ژوئن ۲۰۱۹



اطلاعیه کمیته آذربایجان حزب کمونیست
کارگری ایران

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party Of Iran

به حمایت از زندانیان سیاسی برخیزیم!

امیر ستاری زندانی سیاسی محبوس در زندان تبریز، در اعتراض به افزایش حکم اش از ۸ روز پیش دست به اعتصاب غذا زده است. امیر ستاری از بازداشت شدگان تظاهرات و اعتراضات مردم علیه رژیم در دیماه ۹۶ میباشد. او قبلا ۷ ماه و ۶ ماه حبس گرفته بود، ولی در ابان ۹۷ به ۵ سال افزایش داده شده است.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران فشار بر زندانیان سیاسی در زندانها را محکوم میکند و از همه خانواده های زندانیان سیاسی و مردم تبریز میخواهد که در برابر اعمال فشار رژیم بر زندانیان سیاسی متحدانه اعتراض کنند. نمونه این اعتراضات موثر، تجمعات اعتراضی خانواده های بازداشت شدگان در مقابل زندان اوین است. جنبش دفاع از زندانیان سیاسی و مبارزه برای آزادی همه زندانیان سیاسی را در سرتاسر ایران باید گسترش داد.

رژیم در شرایط بن بست سیاسی و اقتصادی و در ضعیفترین حالت گیر افتاده است و تحت فشار نفرت عمومی و تحرک جنبشهای اعتراضی مختلف دست و پا میزند. نباید اجازه داد که زندانیان سیاسی، تحت فشار قرار گیرند. همه این زندانیان باید بدون قید و شرط آزاد شوند. و یکی از راههای ممکن برای نجات زندانیان سیاسی تجمعات خانواده های زندانیان در مقابل زندانها و حمایت مردم از این تجمعات اعتراضی میباشد.

زنده باد جنبش اعتراضی برای آزادی زندانیان سیاسی**پیش بسوی اعتراضات سرتاسری****کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران**

۱۹ ژوئن ۲۰۱۹ برابر با ۲۹ خرداد ۱۳۹۸





حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party Of Iran

اطلاعیه کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

اقدامات فاشیستی بر علیه کارگران ممنوع!

تجمع اعتراضی دستفروشان در مقابل ساختمان فرمانداری تبریز در روز یکشنبه ۹ تیر ماه با شگرد تفرقه افکنانه دیگری از طرف نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی مواجه شد. مسئولان شهرداری و فرمانداری دستفروشان معترض بیرون کشیده و با این بهانه که آنها شهروند تبریز نیستند اجازه و حق اعتراض را از این دستفروشان سلب کردند.

این اقدام مسئولان شهرداری تبریز یک اقدام کثیف فاشیستی است. این یک اقدام تفرقه افکنانه بین مردم است. این یک توهین آشکار به همه دستفروشان معترضی است که در مقابل ساختمان فرمانداری تجمع کرده بودند. این توهین به همه مردم تبریز، توهین به کارگران و توهین به همه مردم ایران است. این اقدام فاشیستی، توهین آمیز و تفرقه افکنانه باید جواب محکمی از طرف همه دستفروشان، از طرف همه کارگران و از طرف همه مردم تبریز بگیرد.

دستفروشان، چه کرد زبان و چه ترک زبان، همه در اعتراض به یک چیز در مقابل ساختمان فرمانداری تبریز تجمع کرده بودند. همه آنها در اعتراض به آزار و اذیتها و حملات وحشیانه مأمورین شهرداری و بهم ریختن اموالشان و گاهی مصادره دارایی ناچیزشان تجمع کرده بودند. همه این دستفروشان از یک چیز رنج میبرند. همه آنها از پائین بودن سطح رفاه عمومی، از نبودن کار مناسب، از پائین بودن دستمزدها، از فقر و نداری، از نداشتن مسکن مناسب، از گرانی بهداشت و درمان، از عدم تغذیه مناسب خانواده هایشان و حتی از محرومیت فرزندانشان از تحصیل رنج میبرند. رنجی که بطور مساوی و بدون تبعیض بین اکثریت مردم ایران تقسیم شده و زندگی همه آنها را زیر فشار گرفته است.

اگر مسئولان شهرداری تبریز توانسته باشند در این تجمع اعتراضی دستفروشان کرد زبان را از ترک زبانها جدا کنند، با این کارشان مسلماً بر نفرت مردم از حکومت اسلامی سرمایه داران هم افزوده اند و بار دیگر توجه عموم را به این جلب کرده اند که درد کارگران و درد همه مردم در سراسر ایران یکی و درمانش هم یکی است. مسلماً صفوف میلیونی مردم دوباره در خیابانهای شهرها براه خواهد افتاد و کل این دستگاه کثیف، فاشیستی و تفرقه افکنانه حکومت سرمایه داران را از جامعه ایران جارو کرده به زباله دان خواهد ریخت.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ تیر ماه ۱۳۹۸ برابر با ۱ ژوئیه ۲۰۱۹



اطلاعیه کمیته آذربایجان حزب کمونیست
کارگری ایران

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party Of Iran

اذیت و آزار زندانیان و تجاوز به حقوق و حریم شخصی آنها موقوف!

صبح روز دوشنبه ۱۰ تیر ماه یک گروه ۳۰ نفره از ماموران زندان ارومیه، با انتقال زندانیان به هواخوری، وارد بند سیاسی زندان شده و پول و لوازم شخصی زندانیان سیاسی را مورد غارت قرار دادند و خود زندانیان را بشیوه توهین آمیزی بازرسی بدنی کردند. آنها ضمن بسرقت بردن پول و یادداشتهای زندانیان، مواد غذایی و دیگر وسایل شخصی مانند جاسویچی، گردنبند، ظرفهای غذا و لباسهای این زندانیان را، که با تلاش و هزینه شخصی آنها تهیه شده بود، بزمین ریختند و با راه رفتن روی آنها اقدام به تخریبشان کردند.

این نه تنها تجاوز به حرمت و فضای شخصی زندانیان بلکه يك نوع شکنجه روحی آنها نیز هست. حکومتی مردم را نه شهروندان آزاد و دارای حقوق بلکه امتی که باید مطیع و فرمانبردار باشند محسوب میکند و هر صدای مخالف خود را لایق زندان و شکنجه میدانند زندانبانان و مامورین زندانهایش هم اذیت و آزار زندانیان و تجاوز به حرمت و حریم آنها را وظیفه هر روز خود تلقی میکنند.

این حق زندانیان است که از حرمت و حریم شخصی خود دفاع کنند. زندانیان، نه تنها زندانیان سیاسی بلکه همه زندانیان، باید در مقابل چنین تجاوزاتی دست به يك اقدام مشترك و متحد بزنند.

ما از همه زندانیان میخواهیم که ضمن مقاومت و اعتراض علیه این قبیل رفتارهای توهین آمیز مامورین زندانها اخبار این قبیل رفتارهای وحشیانه را به اطلاع جامعه و از این طریق به اطلاع افکار عمومی در جهان برسانند. همچنین از خانواده زندانیان و مردم آزادیخواه و انساندوست ارومیه میخواهیم که در چنین مواردی بطور قدرتمند دخالت کنند و علیه این قبیل تجاوزات و بیحرمتی هایی که به عزیزان آنها میشود به هر شکلی که میتوانند، از جمله تجمع در مقابل استانداریها و فرمانداریها، دست به اعتراض بزنند.

به امید روزی که صفوف میلیونی مردم درهای زندانها در سراسر کشور را بروی زندانیان بگشایند و آمرین و عاملین شکنجه و اذیت و آزار زندانیان را در دادگاه های مردمی به محاکمه بکشند.



کمیته آذربایجان حزب کمونیست
کارگری ایران

۱۱ تیر ماه ۱۳۹۸ برابر با ۲ ژوئیه ۲۰۱۹



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party Of Iran

اطلاعیه کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

از اعتراضات برحق دستفروشان حمایت کنید!

در روزهای شنبه ۸ و یکشنبه ۹ تیر ماه دستفروشان در تبریز در اعتراض به ممنوعیت دستفروشی در مقابل استانداری و فرمانداری این شهر تجمع کردند.

دستفروشان عموماً بخشی از کارگران بیکارند که برای تهیه لقمه نانی با هزار بدبختی اندک پولی تهیه کرده و به این شیوه با تهیدستی زندگی میکنند. این کارگران همواره با پیگرد و تهدید سرکوبگران حکومت اسلامی روبرو هستند و حتی در مواردی این حملات به قتل دستفروشان بدست سرکوبگران شهرداری منجر شده است. در شرایطی که از بیمه بیکاری، درمان رایگان و تحصیل رایگان در سطح جامعه خبری نیست، جمع کردن دستفروشان به معنای محکوم کردن زندگی آنان به فنا و نابودی است.

ایجاد تسهیلات برای اشتغال این بخش از جامعه، رساندن درآمد آنان به رقم بالای خط فقر هفت میلیونی، درمان رایگان و نیز تحصیل رایگان برای فرزندان آنها جزء حقوق پایه ای آنان است.

دستفروشان همواره در برابر این تعدیات ایستاده اند. تجمع دستفروشان تبریز بخشی از اعتراض طبقه کارگر علیه فقر و علیه پایین بودن سطح رفاه عمومی است. ما از همه کارگران و مردم آزادیخواه شهر تبریز می‌خواهیم که از اعتراضات دستفروشان حمایت کنند، تعرضات و حملات نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی به دستفروشان را تعرض به خود و تعرض به کل جامعه قلمداد کنند و برای عقب راندن این تعرضات دست به اقدام جمعی بزنند.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

۹ تیرماه ۱۳۹۸ برابر با ۳۰ ژوئن ۲۰۱۹

کانال جدید صدای جنبش های
اعتراضی عدالت خواهانه در ایران
است

کانال جدید صدای انسانیت، آزادی
خواهی و برابری طلبی است

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 5/6

ایمیل ها و تلفن تماس با کمیته آذربایجان و نشریه سهند:

www.facebook.com/sahandazadiwpi فیس بوک:

ebrahimi1917@gmail.com دبیر کمیته:

farazazadi54@gmail.com ایمیل سردبیر:

تماس تلفنی با همکار نشریه سهند و کمیته آذربایجان:

00491785598886 شهلا خباز زاده:

Ksahand آدرس تلگرام سهند:

komiteazarbaijan76@gmail.com آدرس ایمیل سهند:

سرنگون باد جمهوری اسلامی - زنده باد سوسیالیسم